

از مطالعات تحقیقاتی دپارتمان روانی

مقایسه‌ای بین تئوریهای فروید و عقاید پیاژه در رشد و نهوشخصیت

دکتر غلامرضا بهرامی* دکتر ابراهیم جعفر کرمانی**

فروید روانکاو معروف در حدود ۶۰ سال قبل تئوریهائی را عرضه داشت که امروز هسته اصلی دینامیک علم روان پزشکی را تشکیل میدهد. چیزیکه برای فروید حائز اهمیت بود همان درک حالات عاطفی و احساسات بیماران بوده است. پیاژه متولد سال ۱۸۹۶ و پرفسور روان شناسی کودک در دانشگاه ژنو بوده است. پیاژه همان کوشش‌های فروید را برای فهمیدن طبیعت قوای فکری بشر انجام داد. گویانکه دردانش روان پزشکی امروزه از کوشش‌ها و زحمات فروید قدردانی کامل شده است ولی هنوز نفوذ پیاژه آنچنانکه باید معلوم نیست. شاید باین علت باشد که کارهای پیاژه مقایسه تحقیقاتی علمی و تجربی بوده و اصولاً اثرات کارهای تحقیقاتی بعدها ظاهر می‌شوند. در این مقاله سعی شده است که کارهای فروید را با پیاژه مقایسه نموده و بوسیله‌ای آنها را بهم ارتباط دهیم. فروید میگوید در انسان دو نوع غریزه موجود است یکی غریزه جنسی (Sexual Instinct) و دیگری غریزه پرخاش و تهاجم (Aggression)؛ ولذا فرض نمود در انسان دو نوع انرژی روحی موجود می‌باشد یکی مربوط به اعمال جنسی و دیگری مربوط به اعمال تهاجمی.

* - استاد بیماریهای روانی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

** - استادیار بیماریهای روانی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

فروید نامی بر انرژی روحی که مربوط به اعمال جنسی است نهاد یعنی آنرا لیبیدو (Libido) نامید .

بر حسب تئوریهای وی لیبیدو یک مسیر تکاملی می‌پیماید. بدین معنی که از بدو تولد تا پایان یکسال و نیم دهان و لبها و زبان مراکز است که به طفل یک نوع لذت جنسی میدهد. از یکسال و نیم تا سه سالگی مقعد و رکتوم محل تمرکز احساس و لذت جنسی است و عمل دفع و یا نگهداری مدفوع برای طفل لذت بخش خواهد بود. در مرحله سوم که از اواخر سال سوم زندگی بعد آغاز میگردد مرحله ژینتال است یعنی آلت بچه مهمترین عضو او شده و طفل بازی با آن میپردازد. فروید باین سه مرحله توسعه روانی طفل نامهایی باین ترتیب نهاده. مرحله اول را مرحله دهانی (Oral) و مرحله دوم را مرحله مقعدی (Anal) و مرحله سوم را مرحله تناسلی (Phallic) نامید.

پیاژه رشد و نمو را به چهار مرحله بزرگ تقسیم میکند:

۱) مرحله حسی حرکتی (Sensorimotor) از بدو تولد تا دو سالگی .

۲) مرحله قبل از عمل (Preoperation) از ۳ تا ۷ سالگی

۳) مرحله عمل مطلق (Concrete Operation) از ۷ تا ۱۲ سالگی

۴) مرحله تکامل از ۱۲ سالگی تا بلوغ (Formal Operation) .

در مورد مرحله حسی-حرکتی که بنا به عقیده فروید جایگزین مرحله دهانی مقعدی شده پیاژه میگوید از بدو تولد تا دو ماهگی تحریک (Stimulin) سبب میشود که طفل بطور اتوماتیک یک عمل فعال انجام دهد مثلاً تماس دهان طفل با پستان سبب مکیدن شیر میشود و بعبارت دیگر بچه از بدو تولد تا دو ماهگی بکمک یک سری رفلکس زندگی میکند. در مرحله دوم حسی - حرکتی بین سن ۲ تا ۵ ماهگی یک نوع تطابق بین اعضاء و رفلکسها برقرار میشود و در این موقع آزمایشات مختلف نشان داده است که طفل توجه خود را به چیزهای پیچیده و مشکل خیلی بیشتر جلب میکند تا به چیزهای ساده. معهدا حقیقت چیزی است که بچه می‌بیند یعنی اگر شیشی را از جلوی چشمان او دور کنیم

دیگر به جستجوی آن نمیپردازد. پیاژه میگوید طفل در این سن چهار بعد (Space) دارد :

دهان ، Kinesthetic (احساسی که بکمک آن موقعیت اعضاء و عضلات و حرکات آنها را میتوان فهمید) ، بینائی و شنوائی .

پیاژه سپس میگوید در مرحله سوم حسی - حرکتی که از سن ۵ تا ۹ ماهگی است تطابق‌های قبلی از هم جدا شده و بطرز دیگر ولی کاملتری باهم اجتماع میکنند یعنی از صورت Passive خارج شده و بصورت Active درمیآید . مثلاً بچه‌ای که تا این سن فقط روی زانوی پدر می‌نشست حال هرگاه پدر زانوی خودش را بالا و پائین ببرد بچه نیز بالا و پائین میپرد .

مرحله دوم تکامل یعنی مرحله قبل از عمل (Preoperation) مرحله‌ای است که یادگرفتن سمبول‌ها (Simbols) در طفل پدید میآید یعنی هر چیزی در خاطر و نظر او سمبولی برای يك چیز دیگری است . در این مرحله است که طفل استعمال بزرگترین سمبول‌ها یعنی زبان را فرا میگیرد .

مرحله سوم تکامل (Concrete Operation) مرحله‌ای است که منطق پدیدار گشته و طفل اشیاء را نسبت به تشابه و یا مغایراتی که با هم دارند تقسیم میکند .

در مرحله چهارم یعنی مرحله عمل (Formal Operation) تکامل قوای فکری انسان بعد تکامل میرسد .

چنانکه معلوم میشود عقاید پیاژه تماماً مطابق تجربه‌ای بوده که بر روی اطفال نموده مخصوصاً بیشتر عقاید وی از مشاهدات خودش بر روی سه کودک خویش سرچشمه گرفته است . در حالیکه تئوریهای فروید جنبه فرضی دارد و آنها را از مطالعه و کشف محتویات ضمیر ناخود آگاه بیماران خویش بدست آورده است .

فوق من = فروید اخلاق و صفات عالیه = پیاژه

از نظر تاریخی کلمه فوق من یا سوپراگو (Super Ego) برای اولین بار بسال

رم
ن همه از و
عکس پیاژه
چگونگی پ
اشته است .
«مرحله :
د و مشخص
ت آنرا پیاژ
تایف این نو
مسئولیت
چیز قائل اس
رشد و نمو
دید میآید ک
نامد. در این
قوانین ر
مل نمیکند و
کنند میگویند
خلاقیتی نیس
دن با پدر و
الیه را عکس
اند . در صو
سط و اجتماع
کی از روانش
centrism-
بود و یا به ورت

که پیازه و فروید مثل دو نفر می مانند که در دو طرف يك رودخانه بطرف سرچشمه آرقدم میزنند یعنی پیازه در طرفی از رودخانه که «تفکر» نام دارد بطرف بالا میرود و فروید در طرف دیگر از رودخانه که «عاطفه» نام دارد پیش میرود و باید بوسیله پلی این دو ساحل را بهم متصل نمود . نکته مهم اینجا است که اصولاً تئوریهای روانکوی با مطالعه Drives یعنی خواهشها و امیال آغاز گشته در حالیکه کسانی که مکاتب « تفکری » (Cognitive) را قبول کرده اند چندان توجهی به امیال و خواهشها ندارند .

در تئوریهای پیازه نیز می بینیم آنچه را که پیازه بنام «Morality of Constraints» نامیده و گفته است که يك انعکاسی از «خود خواهی» طفل است و در اثر احتیاج طفل به پدر و مادر بوجود میاید و بدین جهت طفل مطیع کامل شده و هر نوع دستور و یا فانتزی را بصورت حقیقت مطلق قبول میکند ، شباهت زیادی با تئوری فروید درباره پیدایش سوپراگودارد بدین معنی که فروید گفته است «سوپراگو چیز خشن و بی رحمی است که طفل برای خوشنود کردن پدر و مادر در خودش بوجود میاورد .»

تقسیم بندی ساختمان روحی و شخصیت

بر حسب نظر فروید ساختمان روحی و شخصیتی انسان از سه طبقه ساخته شده است: «نهاد» (ID) ، «من» (Ego) و «فوق من» (Super Ego) .
 نهاد - نامی است که به احتیاجات و خواهشهای اولیه انسان داده شده مثلا میل به غذا خوردن ، به تنفس ، به آب و به خواب و به امور جنسی و خلاصه چیزهایی که از نظر بیولوژی برای يك موجود زنده لازم است .
 ID و خواص آن از بدو تولد در طفل وجود دارد و دو قسمت دیگر یعنی Ego و Super Ego بعداً از آن مشتق خواهند شد .
 «من» (Ego) قسمتی از شخصیت انسانی است که ارتباط و جسود انسان را با

محیط اطراف خود برقرار میسازد.

کار ego ارزش‌یابی و قضاوت و حل کردن مسائلی است که انسان بطور روزمره با آن برخورد میکند. اعمالی از قبیل درك (Perception)، حافظه و فهمیدن حقایق و بکار بردن تجارب گذشته همه از وظائف اگوبشمار می‌رود.

Ego نیز مثل يك واسطه‌ای بین خواهش‌هایی که از ID برمی‌خیزد و سرزنش‌ها و سرکوبی‌هایی که از Super Ego بیرون می‌آید عمل میکند.

فروید می‌گوید در طول نمو طفل کم‌کم علاقه و توجه خودش را بر روی دستگاہ تناسلی خویش معطوف می‌دارد و در سن ۳ - ۴ سالگی احساس می‌کند که يك علاقه‌ای از نوع احساسات جنسی نسبت به پدر خویش دارد بدون اینکه از هویت آنها آگاه باشد. این احساسات را اصطلاحاً عقده ادیپ (Oedipus Complex) نامید که اسم آنها از داستانهای یونانی گرفته است^۱

عقده ادیپ در اواخر سالهای چهارم و پنجم زندگی پایان می‌رسد بدین معنی که طفل احساس می‌کند مبادا پدرش از امیال مردی او آگاهی پیدا کند و در نتیجه او را باخته کردن خواهی نموده و بدینوسیله تنبیه نماید.

این نوع احساس ترس را اصطلاحاً «Castration Anxiety»^۲ گفته‌اند. پیاژه با تئوری فوق موافق نیست. او می‌گوید همکاری اخلاقی بعلت ترس

(۱) ادیپ نام شاهزاده‌ای است که پدرش را کشت و بامادر خویش ازدواج کرد.

(۲) توضیح «Castration Complex» در مورد دختران بدین ترتیب است که دختر نیز مانند پسر در مرحله Phallic علاقه و توجه خودش را معطوف کلیتوریس (Clitoris) کرده و اما چون کلیتوریس نسبت به آلت تناسلی پسر کوچک بنظر می‌رسد دختر بچه يك حسادت نسبت به پسر پیدا میکند. فروید این حسادت را Penis Envey نامید.

دختر کم‌کم در حین نمو و رشد روانی اینطور این حقیقت را قبول می‌کند که قبلاً دارای آلت تناسلی مرد (Penis) بوده ولی توسط پدر اخته گشته است. تفاوت آن با پسر اینست که پسر ترس از این دارد که مبادا اخته شود (Castration Anxiety) در صورتیکه دختر حقیقت اخته شدن را قبول کرده است (Castration Complex).

study of drives, whereas Piaget's cognitive theory has not been concerned with the drives.

The parallel between the two theories as they apply to conscience development can be observed through Piaget's early morality of constraint which is dependent on the world about him and through the child's submissiveness and lack of autonomy. This is somewhat similar to the Freud's Theory of the superego.

Résumé

Dans cet article, les auteurs présentent une introduction à la conception psychanalytique de la formation de la personnalité, spécialement de superego. Ils montrent comment le concept s'est développé et a changé; les auteurs le comparent ensuite avec la théorie de "jugement moral" de Jean Piaget. Ils essayent de définir les différences de ces deux concepts. Freud, voulant décrire les aspects instinctifs de notre vie mentale, a supposé l'existence de deux instincts: l'instinct sexuel et l'aggression. Freud a également supposé l'existence de trois étapes dans le développement psycho-sexuel de l'enfant: phase orale, phase anale et phase phallique.

Piaget, étant intéressé à l'aspect cognitif de la personnalité, a postulé une série d'étapes dans le développement cognitif de l'enfant: période sensorio-moteur, phase préopératoire, période des opérations concrètes et enfin étape des opérations méthodiques.

La grande différence entre ces deux théories réside dans le point de départ de Freud qui étudie les instincts tandis que Piaget, avec sa théorie cognitive, ne s'y intéresse pas. Autrement dit selon Piaget, c'est grâce à l'état de besoin, de dépendance (moralité de contrainte) et également à cause de la soumission totale de l'enfant que sa "conscience" se développe. Tandis que Freud considère la crainte que l'enfant éprouve devant ses parents, comme facteur générateur de la conscience.

References:

- 1- Freud, A. The Ego and the Mechanisms of Defensy, International Universities Press, N.Y, 1953.
- 2- Freud, S. The Interoperation of Dreams, Hogarth press, Lonodn, 1953.
- 3- Freud, S. Three Essays on the Theory of sexuality, Hogarth press, Lonodn, 1953.
- 4- Freud, S, An Outline of psychoanalysis. W.W. Norton, New York, 1949.
- 5- Freud, S., Mourning and Melancholia. Standard Edition, Hogarth Press, London, 1953.
- 6- Jones, E. The Origin and Structure of the Super-Ego, Int. J. Psa, 129: 569-573, 1926.
- 7- Piaget, J. The Moral Judgment of the Child Harcourt, N.Y. 1959.
- 8- Piaget, J. The Language and thought of the Child, London Routledge and Kegan, 1962.
- 9- Piaget, J. The Moral Judgment of the Child, Glenco, Ill, 1948.
- 10- Piaget, J. Six Psychological Studies Vintage, N.Y. 1968.
- 11- Piaget, J. The Construction of Reality in the Child. New York, Basic Books, 1954.